

Scientific Culture in the Thought of Ibn Jama'ah Based On the Book of Tazkira Al-Sami and Al-Mutaklam

Mehdi Mazinani*

Hamidreza Mohammadi**

Abstract

"Islamic tradition" in the field of science is a valuable heritage of revelations, along with the achievements of Muslim thinkers, which are available to us today and have been given more attention and tools of analysis and analysis than in the past with the cultural approaches that require ecological perspective. This tradition is full of propositions and treasures that formed the "scientific culture" and can be revived and serve the movement of Islamic natural, social and human sciences. In order to identify and illustrate one of the fields of scientific design and bioculture, the present article analyzed the book of Tazkira al-Sami and al-Mutaklam Ibn Jama'ah, using the method of theme analysis, with 317 codes, 36 organizing themes (themes obtained by combining and summarizing the basic themes) and 4 themes. He has extracted the comprehensive (higher topics including the principles governing the text as a whole) and drawn the network of topics. The findings show that "value-oriented scientific culture" is the ruler and environment in the field of science and education in the Islamic approach, and with its establishment, there is a possibility and probability of producing natural sciences based on Islamic and Quranic teachings.

Keywords: Sciences and Education, Scientific Culture, Ibn Jama'ah's Tazkireh al-Sami, Value-Oriented Scientific Culture.

* PhD student of cultural strategic management, National Defense and Strategic Research University and Research Institute, Tehran, Iran, m.mazinani@sndu.ac.ir.

** PhD in Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Faculty of Humanities, Yadgar Imam Khomeini Unit, Shahre Rey, Islamic Azad University, Tehran, Iran (corresponding author).
h.mohammadi58@yahoo.com.

فرهنگ علمی در اندیشه ابن جماعه با تکیه بر کتاب تذکره السامع و المتکلم

مهدی مزینانی*

حمیدرضا محمدی**

چکیده

«سنت اسلامی» در حوزه علم، میراث ارزنده‌ای از آورده‌های وحیانی، همراه دستاوردهای اندیشمندان مسلمان است که امروزه در اختیار ما قرار گرفته و با رویکردهای فرهنگی، که اقتضای بوم‌نگری دارد، بیش از گذشته مورد توجه و ابزار تحلیل و بررسی قرار گرفته‌اند. این سنت، آکنده از گزاره‌ها و گنجینه‌هایی است که «فرهنگ علمی» را شکل داده و می‌توانند دوباره زنده شده و در خدمت حرکت علوم طبیعی، اجتماعی و انسانی اسلامی قرار گیرد. مقاله حاضر به منظور شناسایی و تصویرسازی یکی از ساحت‌های طرح و زیست فرهنگ علمی، کتاب تذکره السامع و المتکلم ابن جماعه را کاویده، با روش تحلیل مضمون، به تعداد ۳۱۷ کد، ۳۶ مضمون سازمان‌دهنده (مضامین به دست آمده از ترکیب و تلخیص مضامین پایه) و ۴ مضمون فراگیر (مضامین عالی دربرگیرنده اصول حاکم بر متن به مثابه کل) را استخراج و شبکه مضامین را ترسیم نموده است. یافته‌ها نشان می‌دهد «فرهنگ علمی ارزش‌محور»، حاکم و محیط بر ساحت علوم و معارف در رویکرد اسلامی بوده و با استقرار آن، امکان و احتمال تولید علوم طبیعی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی و قرآنی وجود دارد.

واژگان کلیدی: علوم و معارف، فرهنگ علمی، تذکره السامع ابن جماعه، فرهنگ علمی ارزش‌محور.

* دانشجوی دکتری مدیریت راهبردی فرهنگی، دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی، تهران، ایران.
m.mazinani@sndu.ac.ir

** دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده علوم انسانی واحد یادگار امام خمینی، شهرری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
h.mohammadi58@yahoo.com

تاریخ تأیید: ۱۴۰۲/۰۳/۲۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۱۰

مقدمه

علم^۱ در جهان کنونی، مبنای قدرت فردی، ملی و فراملی محسوب می‌شود و به‌همین جهت کشورهای گوناگون، توجه روزافزونی به «نهاد علم» برای اهداف مختلفی چون تولید ثروت، افزایش قدرت، تحکیم هژمونی و بهره‌گیری از لذت ذاتی و ارزشی آن می‌نمایند. این نهاد در منابع اسلامی، ادبیاتی گسترده و پربار دارد و اخیراً تلاش گسترده‌ای برای صورت‌بندی نظری و زایش گفتمانی آن در قالب «علم دینی» صورت گرفته است. اگرچه رویکردهای فکری و جهت‌گیری‌های نظری درباره اصل علم و علم دینی در جای خود ارزشمند و قابل توجه هستند و باید دنبال شوند، اما به نظر می‌رسد پیش از این بحث، مقدمه‌ای با همان اهمیت و حساسیت وجود دارد که در سنت اسلامی نیز ابتدا و پیش از زایش قدرت علمی جهان اسلام در سده‌های چهارم و پنجم هجری قمری، پرداخته و ترویج و نهادینه شد و توانست علم اسلامی یا علم در جهان اسلام را همساز باورها و اعتقادات و جهان‌بینی اسلام و مسلمانان، شکل بخشیده و رشد دهد.

نقش محوری «فرهنگ علمی» در زایش و رشد شگفت‌آور تمدن اسلامی و همچنین، تأکيدات این فرهنگ در مصادر دست اولی چون قرآن کریم و نهج البلاغه یا آثار اندیشمندان مسلمان چون تذکره السامع و المتکلم فی ادب العالم و المتعلم ابن جماعه (۶۳۹-۷۳۳ ه. ق) و منیه المرید فی آداب المفید و المستفید شهید ثانی از جمله عواملی هستند که فرهنگ علمی را در مطالعات «نهاد علم» اولویت و اهمیت بیشتر یا دست‌کم هم‌تراز دیگر رویکردهای مطالعاتی می‌دهد.

بیان مسئله

«فرهنگ علمی» از جهت ماهیت و چیستی، مؤلفه‌ها و ابعاد، کارکردها و آثار، روش‌ها و ابزارهای ترویج و نهادینه‌سازی قابل بررسی است. یکی از وجوه چیستی فرهنگ علمی در نسبتی است که باید با زیست‌بوم خود پیدا کند. پرسش از چیستی فرهنگ علمی می‌تواند وجهی فلسفی داشته باشد و با روش‌های عقلی، کاویده شود یا صورتی جامعه‌شناختی به‌خود گرفته و همچون برآیند هم‌کنش‌های کنشگران نهاد علم با روش‌های مردم‌شناختی و قوم‌نگارانه بررسی شود یا با نگاهی تاریخی و بهره‌گیری از روش‌های اسنادی صورت‌بندی شود. هر رویکرد در جای خود موردنیاز و شایسته توجه است و شاید نتوان یکی را بر دیگری برتری داد، مگر از جهت تقدمی که دست‌کم در بررسی‌ها و بحث‌های فرهنگی و مربوط به فرهنگ، ناگزیر باید به داشته‌ها و انباشته‌های زیست‌بوم

1. Knowledge

و بومی داد و دستاوردهای بشری را دست‌مایه حرکت و شناخت و نه بن‌مایه آن کرد. براساس این، نگاه‌های بومی و داشته‌های خودی، اولویت و ارجحیت پیدا می‌کند.

«سنت اسلامی» در حوزه علم، میراث ارزنده‌ای از آورده‌های وحیانی، همراه دستاوردهای اندیشمندان مسلمان است که امروزه در اختیار ما قرار گرفته و با رویکردهای فرهنگی که اقتضای بوم‌نگری دارد بیش از گذشته مورد توجه و ابزار تحلیل و بررسی قرار گرفته‌اند. این سنت، آکنده از گزاره‌ها و گنجینه‌هایی است که «فرهنگ علمی» را شکل داده و می‌توانند دوباره زنده شده و در خدمت حرکت علوم طبیعی، اجتماعی و انسانی اسلامی قرار گیرند یا اگر قرار باشد چنین حرکتی با رویکردهای قرآنی، اسلامی، دینی و حتی فرهنگی آغاز شود، توجه به سنت یادشده گریزناپذیر است. این توجه می‌تواند در قالب یک کلیت و برای کشف نظریه فرهنگ علمی در سنت اسلامی دنبال شود یا با توجه به کلان‌بودن این گفتمان، بُرش خورده و قطعه‌هایی از آن بررسی شود. ظرفیت بررسی حاضر، رویکرد دوم را اقتضاء دارد. در این راستا، کاوش معنایی «فرهنگ علمی» به صورت مقطعی مورد توجه بررسی حاضر است؛ اما با توجه به اینکه تفصیل قرآن و آموزه‌های قرآنی در هر بحث و عرصه‌ای را باید در ساحت عدل آن یعنی روایات و احادیث معصومین (علیهم‌السلام) جست، خاستگاه و آغاز بحث، قرآن کریم و تفصیل و تبیین آن در سنت اسلامی جستجو می‌شود. غنای سنت یادشده نیز گزینی از گزینش ندارد؛ به همین روی، یکی از آثار برجسته و مطرح که در حوزه فرهنگ علمی، ایشباع نظری و غنای محتوایی دارد، انتخاب و مبنای بررسی قرار می‌گیرد. منبع یادشده، کتاب تذکره السامع و المتکلم فی ادب العالم و المتعلم ابن جماعه (۶۳۹-۷۳۳ هـ ق) است که در سنت اسلامی و «با تکیه بر» و «محوریت‌بخشی به» آموزه‌های قرآنی تدوین شده و نمودی از آموزه‌های قرآنی درباره فرهنگ علم و علم‌آموزی است. برپایه آنچه تبیین شد، سؤال تحقیق حاضر، ناظر بر این گزاره است: «چگونه فرهنگی رشد علوم و معارف را در تمدن اسلامی تسهیل و تسریع کرد؟».

ادبیات تحقیق

چارچوب مفهومی

تعریف فرهنگ و سپس چینش مواضع و یافته‌های تحقیق برپایه معنایی که از آن مراد می‌شود، تقریباً سرآغاز تمام تحقیقاتی است که در حوزه فرهنگ انجام می‌شود. این کشمکش‌ها محورهای گوناگونی دارد که از چیستی و ماهیت فرهنگ تا مصادیق و لایه‌ها و سطوح و کارکرد آن را دربرمی‌گیرد؛ اما بحث اصلی و کلیدی در ساحت «معنا و مفهوم» فرهنگ است که می‌تواند تا

حدودی پاسخ دیگر پرسش‌های مرتبط با این پدیده را روشن نماید. «از فرهنگ، تعاریف متعددی ارائه شده که محدود به بازی‌های زبانی نیست، در تعاریف مطرح شده، معانی متعددی مورد نظر است که شناسایی فرهنگ با هریک از آنها به دستاوردهای متفاوتی منجر می‌شود» (موسی‌پور، ۱۳۹۲، ص ۸).

چنان‌که ادعا شده (کروبر و کلاکھون،^۱ ۱۹۵۲، ص ۹) تیلور^۲ نخستین تعریف روشن علمی از «فرهنگ» را در سال ۱۸۷۱. م به این شرح ارائه داد که: «فرهنگ یا تمدن... کلیت درهم تافتة‌ای است شامل دانش، دین، هنر، قانون، اخلاقیات، آداب و رسوم و هرگونه توانایی و عادت‌هایی که آدمی همچون هموندی از جامعه به دست می‌آورد» (آشوری، ۱۳۷۹، ص ۴۷).

اکنون، در ایران سده چهاردهم هجری شمسی نیز، «فرهنگ» در کانون اندیشه‌ورزی‌های فلسفی، سیاسی-اجتماعی و سازمانی گوناگونی قرار گرفته است. در حوزه سازمانی با توجه به فراوانی سازمان‌های درگیر با موضوع فرهنگ، تلاش‌های بسیاری برای تعریف و عملیاتی‌سازی آن انجام شده است. رسمی‌ترین و احتمالاً تنها تعریف حکومتی از فرهنگ که شأنیت نهادی و قانونی نیز داشته و می‌توان آن را محور بخش عمده‌ای از «اقدامات مدیریتی قدرت در عرصه فرهنگ» به هریک از اشکال موجود مانند «سیاست‌گذاری، مهندسی، مدیریت یا برنامه‌ریزی فرهنگی» دانست تعریفی است که در سند مصوب «نقشه مهندسی فرهنگی کشور» درج شده است. در سند یادشده، فرهنگ این‌گونه تعریف شده است: «نظام‌واره‌ای است از "عقاید و باورهای اساسی"، "ارزش‌ها، آداب و الگوهای رفتاری ریشه‌دار و دیرپا" و "نمادها" و "مصنوعات" که ادراکات، رفتار و مناسبات جامعه را جهت و شکل می‌دهد و هویت آن را می‌سازد» (نقشه مهندسی فرهنگی کشور، ۱۳۹۲، ص ۳).

همچنان‌که ملاحظه می‌شود در سطح نظری، «دین» در فرهنگ ایرانی،^۳ محور و مدار فرهنگ است. این سطح در لایه‌های عملی نیز رسوخ یا دست‌کم حاکمیت پیدا کرده و هژمونی آن را در اسناد فرادستی حوزه فرهنگ می‌توان نه پنهان و مستتر که آشکار و پیدا، پیدا کرد. براساس این، فرهنگ به معنای «باورهای بنیادین، ارزش‌های رابط و رفتارهای حاضر در ارتباطات انسانی که برگرفته از جهان‌بینی اسلامی و شکل گرفته بر محور و مدار دین می‌باشد» در نظر گرفته می‌شود.

1. Kroeber & Kluckhohn

2. E.B. Taylore

۳. به تعبیر دقیق‌تر، فرهنگ ایرانی پس از پیروزی انقلاب اسلامی.

با این تعریف، موضع‌گیری در خصوص فرهنگ علمی اندکی تسهیل می‌شود. گودین و گینگراس^۱ (۲۰۰۰، ص ۴۴)، «فرهنگ علمی را بیانی از تمامی شکل‌هایی می‌دانند که افراد و جامعه می‌توانند از طریق آنها دانش و فناوری را به دست بیاورند». یان نولن^۲ و همکارانش (۲۰۰۳) با بررسی اصطلاح‌های مختلف در این حوزه، چند دلالت گوناگون برای «فرهنگ علمی» بازشناخته‌اند. یکی از این دلالت‌ها این است که علم می‌تواند همچون بخشی از فرهنگ عمومی، همچون بخشی از آشکارگی هویت خلاق ملی نگریسته شود، دلالت دیگر این است که باید برای علم نیز همان جایگاهی را به رسمیت بشناسیم که برای دیگر کنشگری‌های انسانی و هنری بازمی‌شناسیم، سومین دلالت این است که علم باید جایگاهی ویژه در جامعه داشته باشد؛ زیرا سودمندی‌ای بیش از دیگر پیشه‌ها دارد.

چنان‌که ملاحظه می‌شود فرهنگ علمی در این دو تعریف، «برای توصیف حوزه‌ای به‌کار می‌رود که در انگلستان با عنوان فهم همگانی علم و در آمریکا به‌عنوان سواد علمی شناخته می‌شود (وحید، ۱۳۸۸، ص ۱۵۸). چنین تعریف‌ها و رویکردهایی به فرهنگ علمی در جایگاه خود ارزشمند است؛ اما به جهت تأکیدی که بر علم با ماهیت ارزش‌گریز و نسبتاً سکولار آن دارد برای بررسی حاضر و با تعریف منتخب از فرهنگ، مناسب و متناسب نیست. افزون‌براین، محور و مدار در تعریف‌های یادشده، دستاوردهای علم جدید، یعنی فناوری است که گرچه باید موردتقدیر قرار گرفته و با ارزش‌گذاری مثبت نگریسته شود، «الهی‌گونگی» آن در نظام معرفتی غرب و «آلی‌بودن علم و فناوری» در نظام معرفتی اسلام، مانع می‌شود که بتوان بر چنین رویکردها و تعریف‌هایی برای بحث حاضر تکیه کرد.

در این میان تعریف فوئر^۳ و دیگران (۲۰۰۲) که فرهنگ علمی را «مجموعه‌ای از هنجارها و فعالیت‌ها و اخلاقیاتی چون صداقت،^۴ آزاداندیشی^۵ و اندیشه‌ورزی‌های پیوسته،^۶ که شامل داوری در مورد کیفیت تحقیقات نیز می‌شود می‌دانند» به جهت تکیه بر عناصر و مؤلفه‌ها، با ذهن، مأنوس‌تر و برای به‌کارگیری، مناسب‌تر به نظر می‌رسد، به‌جز اینکه آزاداندیشی و اندیشه‌ورزی در گستره عمل در مغرب‌زمین، مرزکنی و فروپاشی ساختارها را نیز به همراه داشته و این نتیجه، اگر در ماهیت اصطلاحاتی چون آزاداندیشی نباشد، عَرَضی ذات‌گونه آن شده و از این‌رو، تعریف وی

1. Benoit Godin and Yves Gingras

2. Jan Nolin

3. Micheal Feuer

4. honesty

5. openness

6. continuous reflection

نیز محل تاملات و ملاحظاتی می‌تواند باشد. براین پایه و هرچند اندیشمندان مختلفی چون دورکیم،^۱ ویتگنشتاین، پارسنز،^۲ مرتن،^۳ آبوت، لومان و شیلز،^۴ و هابرماس^۵ در این زمینه، مطالعات مختلفی داشته‌اند، نمی‌توان از مباحث نظری آنها، در چارچوب سیاست‌ها و رویکردهایی که «فرهنگ علمی» را در محیط‌های دانشگاهی و تربیتی ایران، به لحاظ معنا و محتوا، تعریف و تفسیر می‌کنند پشتوانه‌ای قابل اتکا برداشت نمود. از دیدگاه‌های ایرانی به بحث حاضر می‌توان نگاه سریع‌القلم (۱۳۷۳، ص ۲۴-۲۵) را مبنا قرار داد که طی گفتگویی با تعریفی ساده از علم یعنی «شناخت هست‌ها»، فرهنگ علمی را با کمک سازه‌های آن می‌شناساند. از نظر او تفکر علمی (قابل بودن به اینکه یک نظم رفتاری در پدیده‌های اجتماعی وجود دارد و عالم در پی کشف نظم است؛ پدیده‌شناسی و فرآیندشناسی)، تولید علمی (نوآوری و ابداع و توانایی کار نظری و تئوریک)، استنباط علمی (بهره‌برداری از محفوظات برای دریافت‌های جدید)، شخصیت علمی (اعتماد به نفس، آگاهی از فرهنگ موافقت و مخالفت و...) و اخلاق علمی (تواضع، پرهیز از انحصارطلبی) با هم و در کنار هم، «فرهنگ علمی» را می‌سازند. تعریف سریع‌القلم از جهت انسجام و فرایندی بودن و نیز ویژگی امکان عملیاتی بودن/شدن، مناسب‌تر و به اهداف تحقیق حاضر نزدیک‌تر است. به همین جهت به‌عنوان رویکرد نظری برای بحث حاضر و گزینش داده‌های موردنیاز برگزیده می‌شود.

پیشینه

فرم‌هینی فراهانی و صفوی (۱۳۹۱) در مطالعه‌ای با عنوان «مؤلفه‌های الگوی فرهنگ مطلوب دانشجویی در قرآن و سنت» با روش توصیفی و انجام مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای که البته افزون بر قرآن و سنت، اندیشه‌های امام علیه السلام را نیز مورد توجه قرار داده، عمده‌ترین مؤلفه‌های فرهنگ مطلوب دانشجویی را خدامحوری، حق‌مداری، آخرت‌گرایی، هدایت‌جویی، عقل‌ورزی، علم‌آموزی، هماهنگی با مسیر انبیاء، نورانیت در علم و عمل و اخلاق، احترام به استاد، تلاش و کوشش، نظم و برنامه‌ریزی، نوآوری و خلاقیت، دوری از غریزدگی و اهتمام بر خودکفایی، شکرگزاری و دقت در انتخاب دوست دانسته‌اند.

-
1. Durkheim
 2. Parsons
 3. Merton
 4. Rosenik
 5. Habermas

مذبوحی و ملکی (۱۳۹۱) نیز در پژوهشی با عنوان «الگوی مطلوب فرهنگ دانشجویی در قرآن» با روش توصیفی-تحلیلی و هرمنوتیک مؤلفه‌های زیر را نتیجه گرفته‌اند: آشنایی، انس و الفت با قرآن، تعقل و اندیشه‌ورزی، مسئولیت‌پذیری فردی و اجتماعی، توجه به نقش دوستان، اجتماع و ارزشمند علم و آگاهی در فرهنگ‌سازی و... .

کاویانی (۱۳۹۲) در کتاب «سبک زندگی اسلامی و ابزار سنجش آن»، تفکر و علم را یکی از مؤلفه‌های سبک زندگی اسلامی معرفی نموده و در پرسش‌نامه خود یازده سؤال را به جایگاه و برخی آداب آن اختصاص داده که بیشتر، گرایش و نگرش اسلام و فرد مسلمان به علم را نشان می‌دهد.^۱

تحقیقات یادشده اگرچه الگویی ساده و قابل فهم از فرهنگ مطلوب دانشجویی ارائه می‌دهند، در مقام مستندسازی قابل نقد و ایراد هستند.

روش

تحقیق حاضر از جهت گردآوری داده‌ها، اسنادی می‌باشد. متن کتاب تذکره‌السامع و المتکلم فی أدب العالم و المتعلم بدرالدین محمدابراهیم بن سعدالله ابن جماعه (۷۳۳ تا ۶۳۹ ق) با گزارش و پژوهش و برگردان محمدحسین ساکت به عنوان منبع گردآوری داده‌ها قرار گرفته است.

پردازش داده‌ها، با روش تحلیل مضمون بوده است. تحلیل مضمون روشی است برای دیدن متن، برداشت و درک مناسبی از اطلاعات ظاهراً نامرتبط، تحلیل اطلاعات کیفی، مشاهده نظام‌مند شخص، تعامل، گروه، موفقیت، سازمان و یا فرهنگ (ازکیاو همکاران، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۴۱۶). در این روش، شیوه‌های گوناگونی برای تحلیل چون توجه به کلمات در متن، موشکافی و دقت در متن، توجه به آرایه‌های ادبی و خصوصیات زبان‌شناختی متن، دستکاری و جابه‌جایی فیزیکی وجود دارد (عابدی جعفری و همکاران، ۱۳۹۰). روش توجه به کلمات در متن که در تحقیق حاضر به کار رفته است به کلمات تکراری توجه دارد و همچنین، کلمات کلیدی و مکنون (پنهانی) را شناسایی می‌کند.

متن با روش یادشده، مطالعه و با توجه به گزینش عنوان‌هایی از سوی مترجم اثر برای جداسازی بخش‌های گوناگون کتاب از هم و کفایت و دقت نظر در گزینش‌ها و نام‌گذاری‌ها، عناوین یادشده به‌عنوان مضامین پایه (کدها و کلمات کلیدی) به تعداد ۳۱۷ کد انتخاب و سپس مضامین سازمان‌دهنده (مضامین به‌دست‌آمده از ترکیب و تلخیص مضامین پایه) به تعداد ۲۶ مضمون و

۱. البته اگر به عناوین دیگری که در بخش پیشین اشاره شد این سوابق قرار باشد درج شود تعداد آنها، بیش از موارد یادشده خواهد شد؛ اما با توجه به اینکه دیگر عناوین، با همه تمرکزی که در حوزه فرهنگ علمی دارند، نگاه دینی را کمتر و تقریباً، اصلاً منظور نمی‌کنند، پرداختن به آنها در این بحث ضرورتی پیدا نمی‌کند.

مضامین فراگیر (مضامین عالی دربرگیرنده اصول حاکم بر متن به مثابه‌ی کل) به تعداد ۴ مضمون، استخراج و شبکه مضامین ترسیم شد.

استفاده از کدگذاری مستقل و گروه خبرگان، دریافت پاسخ بازخورددهندگان، به‌کارگیری تطابق همگونی و عرضه توصیفی غنی و ثبت سوابق ممیزی از روش‌های اعتباریابی یافته‌ها در تحلیل مضامین است (مهری، یزدخواستی، پناهی، ۱۳۹۳). در این تحقیق دو شیوه اخیر مورد تأکید و توجه قرار گرفته است.

یافته‌ها

داده‌ها

کدهای پایه و مضامین سازمان‌دهنده آنها به شرح جدول شماره ۱ و جدول‌های پس از آن است:

جدول ۱: کدهای پایه و مضامین سازمان‌دهنده فرهنگ علمی در فصل نخست کتاب

بخش نخست: آیین و روش استاد در پیوند با خویشان و رعایت دانشجو و درس خود		
مضمون سازمان‌دهنده	شماره کد	کدهای پایه
ارزش معنوی علم	C1, C2, C7, C6, C75,	آیه‌های قرآنی در برتری دانش و دانشیان، حدیث‌هایی که در برتری دانشیان آمده است، دوری از دانش‌پژوهی برای آرمان‌های این جهانی، برتری دانش‌پژوهی بر انجام‌دادن عبادت‌ها و نمازهای مستحبی، دانشمندان، رسانندگان وحی‌اند
ارزش اجتماعی علم	C3, C4, C5, C73,	{سخنان بزرگان در برتری دانشیان} دانشمندان بر فرمان‌گزاران فرمان می‌رانند، نیایش فراوان برای دانشمندی که آموزگار و استاد است، شکوه و بزرگی نشست دانشمندان، بند دوازدهم: گفتار پیشوایان {علمی} درباره شغل تدریس
ارزش مادی علم	C32,	درمان‌پذیری از دانش (دانش درمانی)
خودسازی علمی	C8, C9, C10, C11, C12, C13, C15, C18, C19, C21, C22, C23, C24, C25, C26, C27, C28, C29, C45, C46, C47, C53, C54, C55, C72, C76, C57, C79,	بند یکم: پیوسته خدا را در پیش چشم داشتن، بند دوم: پاسداری از دانش، بند سوم: خوگیری به پارسایی، بند چهارم: پالایش دانش از پلیدی‌آزها، بند پنجم: پالودن دانش از راه‌های درآمد پست و فرومایه، پرهیز از جاهای تهمت‌انگیز، بند هفتم: پیوسته قرآن خواندن، روزهای بیکاری در گذشته (برای خواند قرآن و ذکر)، بند هشتم: آراستگی به ارزش‌های والای اخلاقی، بند نهم: پالایش خویش از خوی و منش‌های زشت و پست، خوی‌های بد و ناپسند دروازه‌ی هر بدی است، داروهای کوچک‌انگاری مردم، داروهای رشک، داروهای خودپسندی، داروهای سالوس و مردم‌نمایی، اخلاق

بخش نخست: آیین و روش استاد در پیوند با خویشتن و رعایت دانشجو و درس خود		
مضمون سازمان دهنده	شماره کد	کدهای پایه
		پسندیده، خوی نشان فراگیر {خدادوستی}، نماز استخاره، نیایش پیش از بیرون آمدن برای درس، یاد خدا تا هنگام درس، بند چهارم: پیش از آغاز درس خواندن قرآن، پناه بردن به خدا، ستایش پروردگار و درود فرستادن به پیامبر خدا، دعا برای خویشتن، نیایش در پایان درس، بند دوم: آموزش پاک‌نیتی و آهنگ نیک، پایان دادن درس به آموزش‌های اخلاقی، خوه‌های پسندیده برای فراگیری دانش
هدف‌گذاری‌های متعالی علمی	C14, C20, C62, C74,	بند ششم: پاسداری از آیین اسلام (دلیل برای چرابی پاسداری: دانشمندان بر توده مردم حجت‌اند)، هدف از گردآمدن و پای درس نشستن {حقیقت‌جویی نه کینه‌توزی}، بند یکم: هدف‌های آموزش (پیش چشم‌داشتن خدای بزرگ، آهنگ نشر دانش، بازسازی دین، آشکاری بیایی حق و راستی، نابودی باطل و نادرستی، بهروزی همیشگی مردم و...)
آداب علمی	C16, C48, C49, C50, C51, C52, C60, C61, C63, C64, C65, C66, C67, C68, C69, C70, C71, C80, C81, C83, C84, C85, C87, C89, C90, C92, C99, C100, C101, C102, C103, C104, C105, C106, C107, C108, C109, C110, C111, C112, C113, C114, C30, C31, C33, C34, C43, C44,	ادب پیشوایان به‌هنگام بر زبان‌راندن نام پیامبر ﷺ، راهنمایی با مهر و دوستی، چگونگی نشستن در جلسه درس، کارهای زشت و ناپسند به‌هنگام تدریس، خودداری از تدریس به گاه گرسنگی، بند سوم: احترام به دانشوران حاضر در نشست درس، میانه‌روی در نگرستن به شاگردان، میانه‌روی در بلندکردن آوا، سه‌بار بازگویی از سنت است، بند هشتم: جلوگیری از بی‌ادبی و بی‌نظمی، بند نهم: داد و انصاف و مهرورزی و نوازش نشان‌دادن در بحث و گفتگو، مهربانی و همراهی با دانشجویی که در سخن گفتن ناتوان است، گفتن نمی‌دانم نیمی از دانستن است، بند دهم: مهربانی و گشاده‌رویی با دانشجویان تازه‌وارد و ناآشنا، چگونگی رفتار استاد به‌هنگام آمدن دانشمندی به نشست درس، رعایت سود و صلاح همگی دانشجویان در تعیین زمان‌های درس، بند یازدهم: آنچه استاد به‌هنگام پایان درس می‌گوید {والله اعلم}، سودمندی‌های درنگ‌کردن پس از درس، بند چهارم: بزرگداشت دانشجو، گرایش به بایسته‌ها و شایسته‌های دانشجو، نرم‌خویی، مهربانی و آسان‌گیری در یاددهی، خودداری از آموزش آنچه دانشجو آمادگی و شایستگی آن را ندارد، بند ششم: یاددهی و فهماندن مایه‌های علمی برابر هوش {دانشجو}، به‌هنگام آزمون و شرم، پوشیده‌گویی از بی‌پردگی رساتر است، پرهیز از ناگزیرسازی دانشجویان به دروغ‌گویی، همراهی و همگامی در درس‌ها، سپاس‌گزاری از کسی که پاسخ درست می‌دهد. بسنده‌آمدن استاد به دانش و رشته‌ای

بخش نخست: آیین و روش استاد در پیوند با خویشان و رعایت دانشجو و درس خود		
مضمون سازمان دهنده	شماره کد	کدهای پایه
		<p>که در آن کاردانی دارد، آشنایی با نام‌های باران پیامبر و حدیث‌دانان، پرهیز از چشم و هم‌چشمی در آوردن فضیلت‌های باران پیامبر ﷺ، بند یازدهم: دانشجو را با یک چشم بنگرد، گرامیداشت فراوان نسبت به دانشجوی کوشا و رعایت نوبت، مهرورزی به حاضران و ستایش غایبان، بند دوازدهم: نظارت بر کار همگی دانشجویان، شیوه تأدیب، روگردانی استاد از دانشجو اگر از تباهی بترسد، همسویی با رفتارهای اینجهانی آنان (سلام کردن به هم، رفتار و سخن نیک در گفتگو، دوستی دوسویه، همکاری در کار خوب و ...)، بند سیزدهم: یاری به دانشجویان، پرس و جو از حال دانشجویانی که غایب‌اند، دیدار از بیمار، مهرورزی به مسافران و راهیان، بند چهاردهم: فروتنی با دانشجویان، کنیه آوردن از سنت پیامبر به شمار می‌آید. خوشرویی و گشاده‌رویی با شاگرد، بند دهم: پیوسته کوشیدن، بهره‌گیری از وقت‌ها، پرداختن شافی به دانش، میانه‌روی در کوشایی و تکاپو، کوشایی و دلبستگی مالک به درس</p>
تولید علمی	C17, C97, C37, C38, C39, C40, C42, C58, C59, C35, C36, C41, C86,	<p>اندیشه و درنگ در معناهای قرآن، بیان سرچشمه‌های دانش‌ها و دانستنی‌ها، بند دوازدهم: دست‌یازیدن به نگارش، بهره‌های نگارش، آرمان و هدف نگارش {دانشی که سودش همگانی باشد}، آیین و روش نگارش، بند یکم: آمادگی برای تدریس، روش تدریس {طول دادن و کوتاهی، شبهه‌افکنی}، بند ششم: چگونگی تدریس، بند یازدهم: یادگیری از کوچک‌تران، بهره‌وری استادان از شاگردان، کسی که شایستگی نگارش ندارد چرا بنگارد؟! روشن‌سازی مطلب‌ها و مایه‌ها با ترسیم آنها</p>
مهارت علمی	C56, C77, C78, C82, C88, C91, C93, C94, C95, C96, C98,	<p>بند پنجم: برنامه و برنامه‌ریزی درس‌ها {براساس شرافت}، شیوه انگیزش آغازیان، سوم: دلگرم‌کردن و گرایش دادن دانشجویان به دانش‌اندوزی، گزیدن بهترین روش در پرورش دانشجو، بند هفتم: پرسش و آزمون از دانشجو، بند هشتم: درخواست بازگویی و تکرار آنچه از بر کرده‌اند، بند نهم: آموزش میانه‌روی در کوشایی، پیش‌آزمونی دانشجو در آغاز فرادهی، دست‌کشیدن از رشته‌ای که دانشجو در آن کامیاب نمی‌شود. بند دهم: یادآوری قاعده‌های علمی و فنی</p>

جدول ۲: کدهای پایه و مضامین سازمان‌دهنده فرهنگ علمی در فصل دوم کتاب

بخش دوم: آیین و منش دانشجو		
مضمون سازمان‌دهنده	شماره کد	کدهای پایه
خودسازی برای علم	C115, C116, C185, C128, C129,	بند یکم: پلایش دل از پلشتی‌ها، بند دوم: آهنگ و نیت ناب در دانش‌اندوزی، بند یکم: آغاز با کتاب خدای بزرگ، بند هفتم: پارسایی، بند هشتم: به‌کارگیری رواهای شرعی
فرهنگ زمان‌شناسی	C117, C118, C119, C120, C121, C122, C123, C124, C133, C134, C206, C230, C231,	بند سوم: دست‌بازیدن به دانش‌اندوزی به روزگار جوانی، آسودگی‌یافتن از کار و پیشه و سرگرمی‌ها برای دانش، بند چهارم: قناعت به آنچه آماده است (از خورد و خوراک و پوشاک)، کامیابی در دانش‌اندوزی در سایه تنگدستی، بهتر که دانشجو همسر نگیرد، بند پنجم: برنامه‌ریزی و سامان‌بخشی وقت‌های فرادهمی و فراگیری، بهترین هنگام برای از برکردن و مطالعه، بهترین جاهای از بر کردن، بند نهم: کاهش خواب، اندازه مناسب برای خواب، دانشجویی در آغاز جوانی، بند دهم: رعایت نوبت، ناپسندی واگذاری نوبه به دیگران جز به‌هنگام نیاز
فرهنگ بدن‌داری	C125, C126, C127, C130, C131, C132,	بند ششم: بزرگ‌ترین ابزارهای یاریگر دانش، گفتار پیشوایان در کم‌خوری، آسیب‌های پرخوری، خوردن خوراک برابر سنت، خوراکی‌های زیان‌بار برای بدن‌ها، داروهای تیزکننده ذهن، چیزهایی که فراموشی می‌آورد
فرهنگ روان‌پایی	C135, C136, C137, C138, C229	گردش در گردشگاه‌ها، بهترین ورزش‌ها پیاده‌روی است، میان‌روی در آمیزش، گردش در گردشگاه‌ها و باغ و بوستان‌ها، بند نهم: ناپسندی کمروبی و شرمگینی از آموختن
فرهنگ مراوده	C139, C140, C141,	بند دهم: رفت و آمد نکردن با ناهمجنس، دوست‌گزینی به‌هنگام دانشجویی، ویژگی‌های دوست
ادب و آداب در برابر استاد	C142, C143, C146, C147, C149, C150, C152, C151, C153, C154, C155, C156, C157, C158, C159, C160, C161, C162, C163, C164, C144, C145, C148, C165, C166, C167, C168, C169, C189, C190, C207, C215, C216, C217, C218, C219, C220, C221, C222, C223, C224, C225, C227, C233, C234, C235, C236, C237,	بند یکم: گزیدن استاد، بند دوم: در بند گزیدن استاد نامی نبودن، بازشناسی نگاشته‌ها برابر پرهیزکاری نویسندگان، لغزش استاد از دیدگاه درست شاگرد بهتر است، بزرگداشت استاد، چگونگی سخن‌گفتن با استاد، بند چهارم: شناخت حق استاد، بزرگداشت حرمت استاد، آموزش‌خواهی و نیایش برای استاد به‌هنگام زیارت آرامگاهش، بند پنجم: بردباری بر تندخویی و جور استاد، سازگاری با استاد، بند ششم: سپاسگزاری از استاد، بند هفتم: آیین آمدن پیش استاد، اجازه گرفتن و دستوری‌خواستن، در زدن، ترتیب درآمدن و درود فرستادن، پاکیزگی جامه و پاکی تن، چگونگی سخن‌گفتن با استاد، آمادگی برای سراسر گوش‌سیاری، فرمان‌پذیری از استاد در همه کارها، فروتنی در برابر استاد، بند سوم: دادن صدقه و نیایش کردن پیش از آمدن نزد استاد، چشم‌به‌راه استاد ماندن سزاوارتر که درس را از دست بدهد، ناپهنگام درس دادن از استاد نخواهد بند هشتم: نشست درس. عادت‌هایی که در نشست درس باید کنار گذاشت، نشست‌های ناپسند پیش استاد، ادب در رفتارهای طبیعی، نشستن روی بالش استاد، پرهیز از نادرست‌انگاری نظر استاد، رعایت دل‌ودماغ استاد، بند دوم: پرهیز از کشمکش

بخش دوم: آیین و منش دانشجو		
مضمون سازمان دهنده	شماره کد	کدهای پایه
		دانشمندان، پرهیز از بی‌نیازی از دانشجویی، بند هفتم: آیین آمدن به نشست درس استاد، درود فرستادن به حاضران، هر کجا رسید بنشینند، پرهیز از مزاحمت، دل بستگی به نشستن نزدیک استاد، چگونگی نشستن استاد، نشستن دانشجویان و دیگرانی که برجسته‌اند، گردآمدن دانشجویان در یک سو، بند هشتم: رفتار همراه ادب با دوستان و همشاگردی‌ها در نشست درس، خوشامدگویی به تازه‌وارد، پرهیز از حرکت‌های زشت و ناپسند، تنها استاد حق تنبیه دارد، بند دوازدهم: چگونه درس را آغاز کنیم: آموختن خواهی برای نویسنده کتاب، دعای استاد به هنگام پایان بردن درس، بند سیزدهم: گرایاندن و کشاندن دانشجویان به دانش‌اندوزی، اندرز ارزنده و نیک‌خواهی به خاطر دین
فرهنگ گفتار	C170, C171, C172, C173, C174, C175, C182, C183, C184, C198, C226, C228, C232,	بند نهم: لطافت بیان در پرسش و پاسخ، پرهیز از چون و چرا کردن در سر درس، نگاهداشت ادب در گفتار با استاد، پرهیز از ناگهانی سخن گفتن با استاد، پرهیز از دوباره‌پرسی، درخواست دوباره‌گویی با ترس، بند یازدهم: در پاسخ به استاد پیش‌دستی نکند، خودداری از گسستن سخن استاد، گوش‌به‌زنگ اشاره استاد بودن، سخن گفتن در میانه راه، درود فرستادن از نزدیک، گوش‌زد کردن لغزش‌های استاد همراه با ادب، خودداری از سخن گفتن درباره درس گذشته، خودداری از شرکت در گفت‌وگو، پرهیز از آموختن به هنگام گفتار استاد
فرهنگ کردار	C176, C177, C178, C179, C180, C181,	بند دوازدهم: آیین دادن و گرفتن چیزی از استاد: گرفتن کتاب، دادن قلم و مداد تراش، جانماز، جفت کردن کفش استاد به هنگام بیرون آمدن، چهارچیزی که آدم بزرگوار از انجام دادن آنها ناخوشایند نیست، بند سیزدهم: آیین راه رفتن با استاد
فرهنگ تولید دانش	C186, C188, C191, C193, C194, C199, C200, C201, C202, C203, C204, C208, C211, C212, C210,	از بر داشتن کوتاهه‌ای از هر رشته، فراگیری از بهترین آموزنده، در یک کتاب استواری یافتن، چیرگی در دانش‌ها، پرداختن به آنچه مهم‌تر است، بند چهارم: پرداختن به دانش حدیث، کتاب‌های حدیث مورد نیاز، کتاب‌هایی مورد اعتماد برای فقیه شدن، توجه به شناخت دانش‌های حدیث، توجه به علم درایت، هنگام پرداختن به نگارش، بند پنجم: گام نهادن در راه آموختن فراگیرتر، پرداختن به مهم‌ترین، توجه به همه درس‌ها
مهارت علم‌آموزی	C187, C192, C195, C196, C197, C205, C209, C213, C214,	شرح از برنده‌ها، پرهیز از مطالعه کتاب‌های پراکنده، بند سوم: درست و خوب آموختن پیش از سپردن به حافظه، ویژگی دادن زمان‌هایی برای بازگویی، دانش را از کتاب‌ها فرا نمی‌گیرند، پرداختن به نگارش یادداشت‌ها، مباحثه، تکرار و بازگویی، بند ششم: پیوسته درآمدن به حلقه درس استاد، مباحثه شبانه، مباحثه با خود

جدول ۳: کدهای پایه و مضامین سازمان‌دهنده فرهنگ علمی در بخش سوم کتاب

بخش چهارم: آیین و روش رفتار با کتاب‌ها که ابزار دانش‌اند و آنچه به تصحیح، نگارش، بُرد آورد، نهادن، خرید و فروخت، امانت‌گیری، رونویسی و مانند آن بستگی دارد.		
م. سازمان‌دهنده	شماره کد	کدهای پایه
فرهنگ کتابخانه‌ای	C238, C239, C240, C241, C251, C242, C243, C244, C245, C246, C247, C248, C249, C250,	بند یکم: توجه دانشجوی به فراهم‌آوری کتاب، سرگرم‌شدن به رونویسی از کتاب، سپاس‌گزاری از امانت‌دهنده، توجه به نگارش درست، بند پنجم: چگونگی رونویسی و نگارش کتاب، پرهیز از زندانی کردن کتاب، پرهیز از نوشتن بر حاشیه کتاب امانتی، آیین رفتار با کتاب‌های وقفی، بند سوم: چگونگی نهادن کتاب به هنگام خواندن، چگونگی نگاهداری جلد‌ها، ارزش کتاب‌ها از نظر شرف دانش‌ها، نوشتن نام کتاب بر روی آنها، بی‌ادبی نکردن به کتاب‌ها، بند چهارم: بازبینی کتاب به هنگام خرید آن.
تولید علمی	C252, C253, C254, C255, C256, C257, C258, C259, C260, C261, C262, C263, C264, C265, C266, C267, C268, C269, C270, C271, C272, C273, C274, C275, C276, C277, C278,	آگاهی‌دادن از انجام کتاب، نوشتن نام خداوند با احترام، عادت به درود فرستادن به پیامبر در نگارش کتاب، پرهیز از فشرده‌نویسی، خرسندی‌خواهی برای یاران پیامبر و پیشوایان، بند ششم: ریزنویسی و نازک‌نگاری، ریزنویسی به‌خاطر سبکی در برد و آورد، آماده‌سازی قلم برای نگارش، چگونگی چاقوی قلم‌ها، بند هفتم: آیین تصحیح کتاب، چگونگی نگارش واژگان و نام‌ها، نشانه‌های حرف‌های با نقطه و بی‌نقطه، نشانه‌های دودی و تردید، نشانه‌های تصحیح، چگونگی اشاره‌افزوده‌ها و نشانه‌های زاید، خط یا نقطه بر فراز آنچه تکراری است، بند هشتم: چگونگی نوشتن و آوردن آنچه از قلم افتاده است، نوشتن جافتادگی‌ها همراه با ارزیابی اندازه آنها، وانهادن اندازه در حاشیه کاغذ، بند نهم: چگونگی نوشتن نکته‌های سودمند در حاشیه، پرهیز از چرکین و سیاه‌کردن کتاب، پرهیز از نوشتن میان سطرها، بند دهم: نگارش باب‌ها و فصل‌ها با رنگ سرخ، جدایی‌انداختن میان دو سخن، بند یازدهم: خط‌کشیدن بهتر از تراشیدن و زدودن است، آوردن تاریخ نگارش به همراه جای نشست

جدول ۴: کدهای پایه و مضامین سازمان‌دهنده فرهنگ علمی در بخش چهارم کتاب

بخش پنجم: آیین سکونت در خوابگاه‌ها برای دانشجویان و دانش‌آموختگان		
م. سازمان‌دهنده	شماره کد	کدهای پایه
فرهنگ دینی درگزینش مکان تحصیل	C280, C316, C317,	بند یکم: گزینش مدرسه‌ها و آموزشگاه‌ها با نگاه به وضع و خواست پایه‌گذاران و وقف‌کنندگان آنها، دوران‌دیشی در گرفتن جاهایی که دانسته و شناخته است، دوری از مدرسه‌هایی که حال و روز پایه‌گذاران آنها ناشناخته است، واداشتن دانشجویان به پاکدلی، دعای پایان درس
فرهنگ اطاعت‌پذیری	C283, C284, C292, C293,	بند سوم: انجام‌دادن شرط‌های مدرسه، دریافت ماهانه، خودارسی در انجام‌دادن بایسته‌ها، رعایت اصول و مبانی مدرسه‌ها، بند ششم: رعایت حقوق کسانی که در مدرسه ساکن‌اند
فرهنگ تردد	C285, C286, C287, C288, C301, C302, C303, C304, C305,	بند چهارم: چگونگی سکونت در مدرسه‌ها: آیین سکونت در مدرسه‌ها، حضور پیوسته بر سر درس، خودداری از رفت و آمد در مدرسه، پرهیز از رفت و آمد به هنگام درس، بند هشتم: آیین آمدوشد در مدرسه‌ها،

بخش پنجم: آیین سکونت در خوابگاه‌ها برای دانشجویان و دانش‌آموختگان		
م. سازمان‌دهنده	شماره کد	کدهای پایه
	C306, C307, C312, C314, C315, C313,	آهسته‌رفتن و گام برداشتن، ادب و آیین پایین آمدن و بالا رفتن، بند نهم: خودداری از نشستن در آستانه مدرسه، پرهیز از راه رفتن زیاد در مدرسه، بند دهم: پرهیز از نگاه کردن به خانه‌ها و اتاق‌ها، کناره‌گیری از عادت‌های ناپسند در درس، پوشاک دانشجو در درس، خودداری از ستیز و بگومگو با استاد، پاسخ‌گویی دانشجویان به هنگام دعا خواندن استاد
فرهنگ ارتباطات	C289, C295, C300,	بند پنجم: دست برداشتن از نشست و برخاست، بند هفتم: همسایه‌گزینی در مدرسه‌ها، پرهیز از درآمدن بر سبک‌مغزان
ادب و اخلاق همنشینی	C291, C294, C308, C309, C310, C311,	آزمندی به آموختن، ادب در رفع نیازها، چشم‌پوشی از بدی‌های آنان، خودداری از پاره‌ای از کارهای آزاردهنده، خودداری از برهنه شدن در جاهای باز، دوری از عادت‌های زشت و ناپسند، بند یازدهم: خودداری از دیرآمدن بر سر درس
فرهنگ اسکان	C290, C299,	هدف‌های والا در خانه‌گزیدن در مدرسه، اتاق‌های طبقه بالا برای دانشجو بهتر است، سکونت دانشمندان مورد اعتماد در طبقه‌های پایین‌تر، چه کسی برای سکون در راهرو یا نزدیک به پله‌ها شایسته‌تر است، چه کسانی نباید در مدرسه‌ها اقامت‌گزینند؟

جدول ۵: مضامین فراگیر

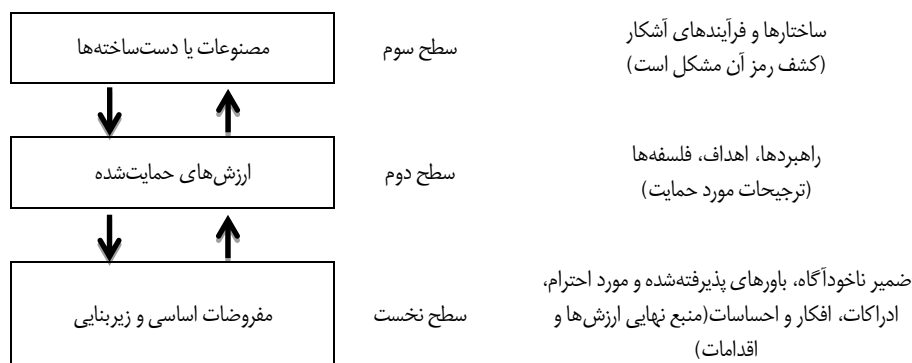
ارزش‌گذاری به کار علمی	ارزش معنوی علم، ارزش اجتماعی علم، ارزش مادی علم
ارزش‌پذیری در کار علمی	خودسازی علمی، هدف‌گذاری‌های متعالی علمی، آداب علمی، خودسازی برای علم‌آموزی
ارزش‌نمایی در کار علمی	ادب و آداب در برابر استاد، فرهنگ زمان‌شناسی، فرهنگ بدن‌داری، فرهنگ روان‌پایی، فرهنگ مرادده، فرهنگ گفتار، فرهنگ کردار، ادب و اخلاق همنشینی، فرهنگ ارتباطات، فرهنگ کتاب‌بانی، فرهنگ دینی در گزینش مکان تحصیل، فرهنگ اطاعت‌پذیری، فرهنگ تردد، فرهنگ اسکان
ارزش‌آفرینی در کار علمی	فرهنگ تولید دانش، تولید علمی، مهارت علمی، مهارت علم‌آموزی

اطلاعات

مبتنی بر تعریف فرهنگ علمی در بخش نظری، فرهنگ علمی در سنت اسلامی نیز مقوله‌ای فرآیندی است؛ اما حلقه‌های این فرآیند، تقدم رتبی و ارزشی داشته و جوشندگی علمی را باعث می‌شوند. در این چارچوب لازم است اشاره شود که فرهنگ علمی در سنت اسلامی یا دست‌کم در سنت فکری ابن جماعه، «ارزش‌محور» است. «از حیث تمدنی و بینا فرهنگی می‌توان از دو سنخ تاریخی اخلاق دانشگاهی سخن به میان آورد: اخلاق دانشگاهی عرفی-عقلانی (غربی) و اخلاق آکادمیک شرعی-عقیدتی (اسلامی). اخلاق سنخ اول (عرفی-عقلانی) بر لزوم پایبندی عقلانی دانشگاه و دانشگاهیان به مرام هنجاری علم‌گرایی ناب پافشاری دارد با این هدف که بتوان

علم‌گرایی را در خدمت تقویت ذهن و عقل و شناخت واقعیت قرار داد؛ اما در اخلاق سنخ دوم (شرعی عقیدتی) ضرورت رعایت اخلاق علم‌ورزی با هدف تقویت روح و ذهن و قلب جهت شناخت حقیقت است» (نجاتی حسینی، ۱۳۹۸، ص ۴۴۷). «فرهنگ علمی ارزش‌محور» از جهت ریشه‌ها و خاستگاه، با آنچه اخلاق دانشگاهی شرعی - عقیدتی نامیده شده همانندی دارد، جز اینکه فرایندی نیز بوده و هدفی سواى شناخت و شاید بالاتر از آن نیز دارد.

بخش فرآیندی فرهنگ یادشده را در چارچوب مدل فرهنگی ادگار شاین می‌توان توضیح داد. شاین فرهنگ را با ملاک «دیدپذیری» به سه سطح دسته‌بندی می‌کند. «این سطوح از جلوه‌های آشکار و بسیار محسوسی که فرد می‌تواند ببیند و احساس کند تا مفروضات اساسی ناخودآگاه که عمیقاً پوشیده شده و من آن را جوهره فرهنگ تعریف می‌کنم گسترده است» (شاین، ۱۳۸۳، ص ۳۷). تصویرگری او از توصیف یادشده به شرح زیر است:



شکل ۱: سطوح فرهنگ از دیدگاه شاین

بر پایه الگوی یادشده، فرهنگ علمی در سطح دوم می‌تواند قرار گیرد که از یک‌سو، ریشه در سطح نخست دارد و از سوی دیگر، زیرساخت سطح بالاتر قرار می‌گیرد؛ اما این تصویر، تنها نمایشی از قالب و چارچوب فرهنگ علمی در رویکرد و سنت اسلامی و علمای مسلمان می‌تواند باشد و در بخش محتوا، تفاوت‌های پایه‌ای با هم دارند. تفاوت‌های یادشده به خاستگاه ارزش‌ها برمی‌گردد. همان‌گونه که این خاستگاه، سخت، خود را در تعریف و محتوای فرهنگ از دیدگاه ایرانی و غیرایرانی نشان می‌دهد و جان‌مایه و بن‌مایه فرهنگ ایرانی در سطوح فلسفی، سیاسی - اجتماعی و ایرانی را می‌سازد در ارزش‌ها نیز هویدا شده و در مصنوعات نیز باید خود را نشان دهد. نظام مراتبی فرهنگ و ارزش‌های آن در رویکرد ایرانی را به شرح شکل ۲ می‌توان ترسیم نمود:



شکل ۲: سلسله مراتب و مرکزیت محتوای فرهنگی

«فرهنگ ارزش محور علمی» در این سنت فکری، فرآیندی چهاربُعدی است که خود جنبه‌ای دیگر از تفاوت و تمایز آن با اخلاق دانشگاهی شرعی عقیدتی را می‌تواند به ظهور برساند. ترسیم آن در شکل ۳ و تشریح هر بُعد به شرح مطالب پس از شکل است:

ارزش‌گذاری به کار علمی

کار و فعالیت علمی با ارزش است و این ارزش می‌تواند ذاتی آن باشد یعنی خودبه‌خود قابل ارزش باشد (شریعت‌مداری، ۱۳۷۹، ص ۴۲۱) یا عرضی آن. به نظر می‌رسد علم در هر دو جهت چنین ارزشی را دارد؛ اما ارزش ذاتی آن بر همگان پیدا و آشکار نیست؛ از این‌رو زمانی به آن توجه می‌کنند که ارزش‌های عرضی و تبعی آن را دریافته و آشکارا ببینند.

برای ارزش‌گذاری عرضی علم، خاستگاه‌های گوناگونی قابل طرح است: مصادر معنوی، زمینه‌های اجتماعی و مصادر مادی از آن جمله‌اند. با توجه به تفاوت سرشت انسان‌ها در انگیزه‌سازی و انگیزش‌انگیزه‌ها و جایگاهی که علم و فعالیت علمی در دوام قدرت جامعه دارد، بهره‌گیری از و توجه به تمامی خاستگاه‌های ارزش‌گذاری به کار و فعالیت علمی، موضوعی قابل دفاع به نظر می‌رسد؛ هرچند برای جامعه‌ای که فرهنگ عمومی آن بر مبانی دینی استوار و غلبه با آن است، اولویت و ارجحیت ظرفیت‌های این خاستگاه برای ارزش‌گذاری به علم و انگیزه‌سازی

برای عموم جهت توجه به کار علمی، از حیث بهره‌وری و اثربخشی، در ظاهر کارآیی بیشتری داشته و احتمالاً دارد.

ارزش‌پذیری در کار علمی

پذیرش ارزش‌ها و هنجارهای علمی که اصطلاحات جامعه‌پذیری یا فرهنگ‌پذیری (البته در برداشت و تعبیری از آن) می‌تواند تبیین‌گر باشد، بر درونی‌سازی و نهادینه‌شدن قواعد و هنجارها و معیارهای مواجهه با نهاد علم و کنشگران حاضر و ناظر بر آن دلالت دارد. چنین فرآیندی حاکمیت نگرش الهی به قضایا را می‌تواند به همراه داشته باشد و بر پایه آن دانش به‌عنوان یک فرایند و یک فعالیت انسانی، رنگ و بوی فرهنگ دانش‌پژوه را به خود خواهد گرفت و از روح و ماهیتی ویژه برخوردار خواهد شد (صفایی‌مقدم، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۳۹۷).

ارزش‌نمایی در کار علمی

این مرحله به نمایش و ظهور ارزش‌های پذیرفته‌شده دلالت دارد و ملکه و نهادینه‌شدن ارزش‌های یادشده در اعضاء و جوارح علم‌آموزان را مورد توجه قرار می‌دهد. این بخش، سطح فردی فرهنگ ارزش‌محور علمی است که اگرچه دشوار و نیازمند پذیرش سختی‌هایی است، ولی ناممکن نیست و کسان بسیاری در طول تاریخ و جغرافیا توانسته‌اند روح و اخلاق علمی را به خود گرفته و به سطح دانشمند و اندیشمندی تراز و معیار برسند.

ارزش‌آفرینی در کار علمی

علم آن چیزی نیست که تنها از اندیشه عالمی متفکر تراوش کند؛ بلکه هویتی جمعی دارد که از رقابت تک‌تک افراد بارور می‌شود (ابراهیمی، ۱۳۸۶، ص ۲۷). با توجه به ابعاد اجتماعی علم که جنبه‌های مهمی از آثار و دستاوردهای آن در پیوند با دیگران نمود و ظهور پیدا می‌کند، این عرصه می‌تواند زمینه و بستر ویژه‌ای برای آفرینش‌های علمی براساس «فرهنگ ارزش‌محور علمی» محسوب شود. کمینه محصولات و کالاهایی که در پی فعالیت و کار علمی به دست می‌آید می‌تواند دو چیز باشد: تربیت انسان (شاگرد) و تولید یک اثر علمی. کنشگر علمی چه استاد باشد و چه شاگرد، باید ارزش‌های این نهاد را بر خود بپذیرد. مرحله بالاتر اینکه بتواند ارزش‌های یادشده را بازآفرینی و بازتولید نموده و تعالی بخشد. بخشی از این آفرینش با انتقال آن یا نمودبخشی و ترویج آن ممکن است.

فرهنگ ارزش‌محور علمی به‌گونه‌ای باید منتقل و در فرآیند تربیت، درونی‌سازی شود که انسان محصل و بر ساخت آن، تمام اعضاء و جوارحش، خاستگاه و نمودگاه فرهنگ یادشده شود. زبان، بیش از همه اعضاء در این فرهنگ مورد توجه است. شاید از این جهت که زبان، نماینده و سخنگوی عقل و قلب و دل است و ارزش‌ها نیز در این سه تخت‌گاه بر اریکه فرمان و فرماندهی انسان قرار می‌گیرند.

آثار علمی نیز که در این فرآیند تولید می‌شوند باید محمل و جلوه‌گاهی برای نمایش ارزش‌های دینی باشند. این ارزش‌ها در هم‌کنش با آثار و در متن آن می‌توانند ظهور پیدا کنند. اینکه یک اثر علمی چه جایگاهی در زندگی و زیست جویندگان علم دارد یا چه رفتاری با آن می‌شود یا دست‌کم محتوای آن چه تفاوتی با یک اثر در بیرون از بافت و زمینه «فرهنگ ارزش‌محور علمی» دارد می‌تواند دلالتی بر پذیرش و اثرگذاری فرهنگ یادشده یا غیبت و فراموشی آن در جامعه و اجتماعات علمی داشته باشد.

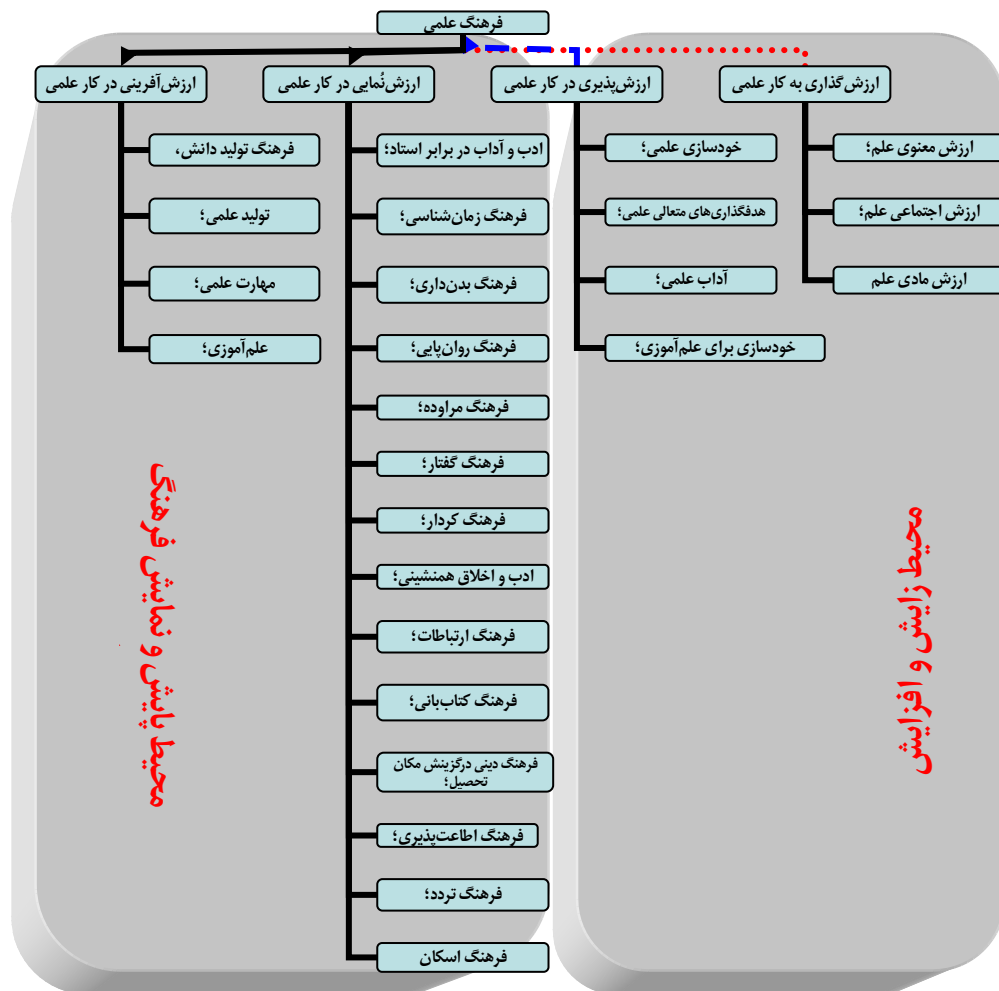
نتیجه‌گیری

«فرهنگ ارزش‌محور علمی»، که کنکاشی گذرا بر بخشی کوچک از سنت پر بار اسلامی در هزاره نخست، سیمایی از آن را به تصویر کشید، می‌تواند در هزاره دوم و کاوش از راه‌های بازآفرینی تمدنی نوین مبتنی بر اسلام و ارزش‌های اسلامی به کار آید. در ظاهر، تمدن نوین اسلامی نیز مانند خلف درخشان خود نمی‌تواند تکوین یافته و شکل بگیرد، مگر اینکه از مسیر علم و دانش حرکت کند و فرهنگ مورد اشاره را دوباره زنده و حاکم کند. اگر این گزاره پذیرفته شود که سیاست‌گذاری علمی کشور، پذیرش آن را عملی و غیرقابل بحث کرده است، ناگزیر باید به سنت پر بار اسلامی به‌عنوان بخشی از راه‌حل قرارگیری در مسیر تمدن‌سازی نوین اسلامی یا دست‌کم قرارگیری در مسیر تولید ثروت و پیشرفت از راه علم و در چارچوب گفتمان امروزی علم و دانش بشری، رجوعی چندباره کرد. این سنت، بسیار پربارتر از آن چیزی است که در این مقال و مجال کوتاه ارائه شد و مطالعات گوناگونی، در پی پردازش و بازآفرینی آن بوده‌اند.

«فرهنگ ارزش‌محور علمی»، در چارچوبی که تذکره السامع ترسیم کرده و تصویری که محقق با ذهنیت و نگاه امروزی از آن دریافت می‌کند می‌تواند فراتر از فرد یادگیرنده رفته و شبکه‌ای علمی را زمینه‌سازی کرده و بلکه بسازد که پیوندهای درون‌زا و برون‌زا دارد. این فرهنگ، جامعه‌محور و آینده‌گرا بلکه آینده‌ساز است؛ تنها بازتولید نمی‌کند؛ بلکه بازآفرینی نیز دارد و چون

مبنا و پایه‌ها را در درون و فطرت مخاطبانش جستجو و هدف قرار می‌دهد می‌تواند نهادینه و ملکه‌شدن را تضمین و تأمین نماید.

در این فرهنگ، عناصر متعدد و متنوعی، نقش‌آفرینی می‌کنند؛ اما تنوع آنها به معنای اقتضای برنامه‌ریزی‌های بلندمدت و غلبه حاشیه بر متن نیست؛ زیرا به نظر می‌رسد بسیاری از این عناصر و مؤلفه‌ها، جنبه بازتولیدی داشته و با قرارگیری فرد در مسیر آنها، می‌تواند محسوس و نامحسوس و برابر الگوهای تربیتی کم‌هزینه و بی‌هزینه چون تداعی و فضاسازی تربیتی در فراگیران ایجاد و نهادینه شود. مؤلفه‌ها و شاخص‌هایی که مقوم این فرهنگ هستند به شرح شکل ۳ قابل تصویرسازی هستند.



شکل ۳: محیط زایش و نمایش فرهنگ ارزش‌محور علمی

منابع

۱. آشوری، داریوش (۱۳۷۹). تعریف‌ها و مفهوم فرهنگ. تهران: آگاه.
۲. ابراهیمی، مهدی (۱۳۸۶). «زمینه‌ها و عناصر اساسی تولید علم». بازتاب اندیشه، ش ۶۷، ۷۹۲-۸۰۰.
۳. ابن جماعه، بدرالدین (۱۳۸۸). آموزش‌نامه: فرهنگ فردهی و فراگیری در اسلام (م. ساکت). تهران: نشر نی.
۴. ازکیا، مصطفی؛ رشید احمدرش و کامبیز پارتازیان (۱۳۹۵). روش‌های تحلیل کیفی از نظریه تا عمل. تهران: شرکت انتشارات کیهان.
۵. سریع‌القلم، محمود (۱۳۷۳). «فرهنگ علمی و فرهنگ عمومی». اطلاعات سیاسی اقتصادی، ۲۴-۲۸.
۶. شاین، ادگار (۱۳۸۳). مدیریت فرهنگ سازمانی و رهبری (ب. فرهی بوزنجانی و ش. نوری نجفی). تهران: سیما جوان.
۷. شریعتمداری، علی (۱۳۷۹). فلسفه: مسائل فلسفی. مکتب‌های فلسفی. مبانی علوم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۸. صفایی مقدم، مسعود (۱۳۸۱). سیاست‌ها و راهبردهای علم، فناوری و فرهنگ. تهران: وزارت علوم. تحقیقات و فناوری.
۹. عابدی جعفری، حسن؛ محمدسعید تسلیمی، ابوالحسن فقیهی و محمد شیخ‌زاده (۱۳۹۰). «تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کراآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی». اندیشه مدیریت راهبردی، دوره پنجم، ش ۲، ۱۹۸-۱۵۱.
۱۰. فرمehنی فراهانی، محسن و سید علیرضا صفوی (۱۳۹۱). «مؤلفه‌های الگوی فرهنگ مطلوب دانشجویی در قرآن و سنت»، فصلنامه فرهنگ در دانشگاه اسلامی، دوره دوم، ش ۱، ۸۱-۱۰۲.
۱۱. فرهنگ علمی و فرهنگی عمومی. گفتگویی با دکتر محمود سریع‌القلم. بی‌تا. اطلاعات سیاسی - اقتصادی. ش ۷۸-۸۸. ۲۴-۲۸.
۱۲. کاویانی، محمد (۱۳۹۲). سبک زندگی اسلامی و ابزارهای سنجش آن، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۳. مذبحی، سعید و حسن ملک‌کی (۱۳۹۱). «الگوی مطلوب فرهنگ دانشجویی در قرآن»، فرهنگ در دانشگاه اسلامی بهار ۱۳۹۱، دوره دوم، ش ۲، ۱۴۹-۱۶۸.

۱۴. موسی‌پور، نعمت‌الله (۱۳۹۲). «سبک زندگی آموزش‌گران علوم انسانی در محیط‌های دانشگاهی ایران: از آرمان‌های دینی تا واقعیت‌های سازمانی». فصلنامه مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی، دوره پنجم، ش ۴، ۱-۳۰.
۱۵. مهری، کریم؛ بهجت یزدخواستی، محمدحسین پناهی (۱۳۹۳). «سیاست‌گذاری قومی مبتنی بر دیدگاه مقام معظم رهبری: تحلیل تماتیک». مطالعات قدرت نرم. بهار و تابستان ۱۳۹۳، دوره چهارم، ش ۱۰، ص ۷۵-۹۸.
۱۶. نجاتی حسینی، سید محمود (۱۳۹۸). «اخلاق آکادمیک: یک مرور مفهومی. تاریخی». تجربی. در: همایش ملی مطالعات فرهنگی و اجتماعی آموزش عالی. علم و فناوری (صفحات ۴۲۹-۴۴۹). تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
۱۷. نقشه مهندسی فرهنگی کشور (۱۳۹۲). تهران: روزنامه رسمی.
۱۸. وحید، مجید (۱۳۸۸). سیاست‌گذاری عمومی. تهران: میزان.
19. Feuer, M., Towne, L., & Shavelson, R. (2002). Scientific Culture and Educational Research. *Educational Researcher*. 31(8), 4-14.
20. Godin, B., & Gingras, Y. (2000). What is scientific and technological culture and how is it measured? A multidimensional model. *Public Understand of science*, Volume 9, 43-58.
21. Kroeber, A. L., & Kluckhohn, C. (1952). Culture: a critical review of concepts and definitions. *Papers. Peabody Museum of Archaeology & Ethnology, Harvard University*, 47(1), viii, 223.
22. Nolin, Jan., Bragesjö, Fredrik., Kasperowski, Dick. (2003). Universities and Public Understanding of Science: The Swedish case.